

عنوان مقاله:

ولایت در اندیشه شمس تبریزی و بازتاب آن در آثار سلطان ولد

محل انتشار:

فصلنامه عرفان اسلامی، دوره 18، شماره 72 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

داود واثقی خوندابی - پسادکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. نویسنده مسئول: d.vaseghi@gmail.com

مهدی ملک ثابت - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. mmaleksabet@yazd.ac.ir

محمدکاظم کهدویی - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

خلاصه مقاله:

مبحث «ولی و ولایت» یکی از اساسی ترین مباحث عرفان اسلامی است. ولایت در لغت به معنای قرب، محبت، نصرت، امارت و... است؛ اما ولی در اصطلاح اهل عرفان به کسی گفته می شود که با نابودکردن صفات بشری و فانی شدن در حق به تولد دوباره رسیده باشد. در این جستار که مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی است تاثیرپذیری سلطان ولد از شمس تبریزی در موضوع ولایت بررسی می شود. شمس تبریزی و سلطان ولد، ولی را کسی می دانند که با رسیدن به مرتبه فنا فی الهی به صفاتی دیگر مانند «دوری از کرامت نمایی»، «علم لدنی و موهوبی»، «انفاس حقانی» و «فراست یا اشراف بر ضمائر» مزین باشد. به اعتقاد آن ها اگرچه شناخت حقیقت وجودی اولیای الهی از شناخت خداوند دشوارتر است اما سالکان باید با شناخت دقیق از این افراد، سرسپرده آن ها شوند و از مدعیان دروغین بپرهیزند. شمس و سلطان ولد اولیا را به دو گروه مستوران و مشهوران تقسیم کرده اند. در نظرگاه آن ها، اولیای الهی اگرچه همگی نوری واحدند اما هر کدام به اندازه قرب خود از تابش حسن الهی برخوردار می شوند که در این میان مرتبه «مطلوبان یا معشوقان» از مرتبه «طالبان یا عاشقان» بالاتر است. علاوه بر این، قطب شاه اولیا محسوب می شود و در حقیقت هدف غایی از آفرینش جهان است.

کلمات کلیدی:

طریقه مولویه، شمس تبریزی، سلطان ولد، ولی و ولایت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1470408>

